

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز ہفتم لائودکیہ ای - شماره سی و ہفتم

Jeff Pippenger

2026-01-29

شماره سینتیس

در رؤیای ویلیام میلر، «ہیاهو» در آغاز، ہنگامی کہ مردم شروع بہ دست درازی بہ جواہرات کردند، مسبق بود بہ این کہ میلر جواہرات را گرد آورد و ندا در داد: «بیایید و ببینید.» مسیح، در مقام مرد جاروی گرد و غبار، از جاروب استفادہ می کند تا زبالہ ہا را بروید، جواہرات را در صندوقچہ ای بسیار بزرگ تر گرد آورد، و سپس میلر را فراخواند کہ «بیایید و ببینید.» ہنگامی کہ مسیح کار جاروب خود را آغاز می کند، اتاق خالی است، زیرا میلر ثبت کردہ است کہ «دری گشودہ شد، و مردی بہ اتاق داخل شد، و چون مردم ہمہ از آن بیرون رفتند، او کہ جاروی گرد و غبار در دست داشت، پنجرہ ہا را گشود و آغاز کرد بہ رویدن گرد و خاک و زبالہ از اتاق.»

مرد جارو خاکی ہنگامی بہ اتاق وارد می شود کہ ہمہ مردم آن را ترک کردہ باشند. در سال ۲۰۲۳، مرد جارو خاکی بہ آن اتاق خالی وارد شد، زیرا حرکت آن یکصد و چہل و چہار ہزار نفر درہم شکستہ و پراکندہ شدہ بود. حقایقی کہ بہ وسیلہ الواح حقوق در سال ۲۰۱۲ نمایاندہ شدہ بود، زیر زبالہ مدفون شدہ بود، و اتاق خالی بود. مرد جارو خاکی اوست کہ پس از یحیی تعمید دہندہ آمد، همان کہ یحیی گفت دارای بادبیزی است، و اینکہ آن بادبیز را بہ کار خواہد برد تا خرمنگاہ خود را بہ کلی پاک سازد.

من در حقیقت شما را بہ آب برای توبہ تعمید می دہم؛ اما آن کہ پس از من می آید، از من نیرومندتر است، و من شایستہ آن نیستم کہ کفش ہای او را برگیرم؛ او شما را بہ روح القدس و آتش تعمید خواہد داد؛ کہ غربال او در دست اوست، و او خرمنگاہ خویش را بہ کمال پاک خواہد ساخت، و گندم خود را در انبار گرد خواہد آورد؛ اما گاہ را بہ آتشی خاموشی ناپذیر خواہد سوزانید. آنگاہ عیسی از جلیل نزد یحیی بہ اردن آمد تا از او تعمید یابد. متی ۱۱:۱۳-۱۳.

جلیل نماد یک نقطہ عطف است، و آن نقطہ بر رود اردن کہ عیسی برای تعمید گرفتن بہ آنجا آمد، بیت عبارہ نام دارد، و معنای آن «گذرگاہ کشتی» است، و آن مکان را نشان گذاری می کند کہ اسرائیل باستان از آنجا بہ سوی سرزمین موعود عبور کرد. ہنگامی کہ عیسی تعمید یافت، آنگاہ عیسی مسیح شد. جلیل، اردن، بیت عبارہ، و عیسی کہ مسیح شد، ہمگی بر تغییر یک تدبیر تأکید دارند؛ همان چیزی کہ در نیز آن را بازمی نمایاند، بہ ویژہ برای فیلا دلفیاییان کہ کلید در گشودہ و بستہ بہ ایشان دادہ شدہ است.

اور فلدلفیہ کی کلیسیا کے فرشتہ کو لکھ: یہ باتیں وہ فرماتے جو قدوس ہے، جو برحق ہے، جو داؤد کی کنجی رکھتا ہے، جو کھولتا ہے اور کوئی بند نہیں کر سکتا، اور بند کرتا ہے اور کوئی کھول نہیں سکتا؛ میں تیرے اعمال کو جانتا ہوں۔ دیکھ، میں نے تیرے سامنے ایک کھلا ہوا دروازہ رکھ دیا ہے، اور کوئی اسے بند نہیں کر سکتا؛ کیونکہ تجھ میں تھوڑی سی قوت ہے، اور تو نے میرے کلام کو محفوظ رکھا ہے، اور میرے نام کا انکار نہیں کیا۔ مکاشفہ 3:7، 8.

ہنگامی کہ مسیح «در» را «گشود» و «بہ اتاق وارد شد»، آن اتاق «اتاق او» بود، زیرا او «خرمنگاہ خود» را بہ کلی پاک می سازد. اگر آن خرمنگاہ، خرمنگاہ اوست، آن اتاق نیز اتاق اوست.

«در کفرناحوم، عیسی در فاصله‌های میان رفت و آمدهای خود اقامت می‌گزید، و آنجا به عنوان «شهر خود او» شناخته شد. آن شهر بر کرانه‌های دریای جلیل، و نزدیک به حدود دشت زیبای جنیسارت، اگر نه بر خود آن، قرار داشت.» آرزوی اعصار، ۲۵۲.

او به حجره خود داخل می‌شود تا گندم خویش را گرد آورد و کرکاس‌ها را جمع کرده بسوزاند. تغییر دوره تدبیر که به وسیله جلیل، اردن، بیت‌عباره، تعمید، و انتقال از یحیی به عیسی نمایش داده می‌شود، با انتقال کلیسای مجاهد لائودیکیه به کلیسای ظفرمند فیلادلفیه منطبق است. او در ژوئیه ۲۰۲۳ به حجره خود داخل شد. میلر در هیاهوی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ چشمان خود را بسته بود، و چون چشمان خود را گشود، حجره از مردم خالی بود؛ حقیقت در زیر خطا مدفون شده بود، و سپس مرد جاروب‌زن خاک، پنجره‌ها را گشود و آغاز کرد که زباله‌ها را بیرون بربود.

«جس کے ہاتھ میں اپنا چھاج ہے، اور وہ اپنے کھلیان کو اچھی طرح پاک کرے گا، اور اپنے گہیوں کو کوٹھے میں جمع کرے گا۔” متی 3:12۔ یہ پاک کرنے کے اوقات میں سے ایک تھا۔ کلام حق کے ذریعے بھوسی کو گہیوں سے جدا کیا جا رہا تھا۔ چونکہ وہ ملامت قبول کرنے کے لیے حد سے زیادہ باطل فخر اور خودراستی میں مبتلا تھے، اور فروتنی کی زندگی اختیار کرنے کے لیے دنیا سے حد سے زیادہ محبت رکھتے تھے، اس لیے بہت سے لوگ یسوع سے پھر گئے۔ بہت سے آج بھی یہی کر رہے ہیں۔ آج بھی جانچ اسی طرح ہوتی ہے جیسے کفرناحوم کی عبادت گاہ میں اُن شاگردوں کی ہوئی تھی۔ جب سچائی دل پر مؤثر کی جاتی ہے تو وہ دیکھتے ہیں کہ اُن کی زندگیاں خدا کی مرضی کے مطابق نہیں ہیں۔ وہ اپنے اندر ایک کامل تبدیلی کی ضرورت کو دیکھتے ہیں؛ لیکن وہ اس خودانکاری کے کام کو اٹھانے پر آمادہ نہیں ہوتے۔ اس لیے جب اُن کے گناہ ظاہر کیے جاتے ہیں تو وہ غضب ناک ہو جاتے ہیں۔ وہ رنجیدہ ہو کر چلے جاتے ہیں، بالکل اسی طرح جیسے شاگرد یسوع کو چھوڑ کر یہ بڑبڑاتے ہوئے چلے گئے تھے، ”یہ کلام سخت ہے؛ اسے کون سن سکتا ہے؟“ The Desire of Ages, 392.

در آخرین روز سال ۲۰۲۳، کہ بہ نخستین روز سال ۲۰۲۴ متصل می‌شود، شیر سبط یهودا آغاز کرد کہ مکاشفہ خویش را به تدریج مہرگشایی کند. مطابق با فرایند آزمون سہ مرحلہ‌ای مہرگشایی باب دوازدهم دانیال، در آن ہنگام سہ آزمون نیز وجود می‌داشت کہ با این عبارات نمایان شدہ اند: «تطہیر شوند، سفید گردند و آزمودہ شوند».

و او گفت: «ای دانیال، بہ راہ خود برو؛ زیرا این سخنان تا زمان آخر بستہ و مہر شدہ است. بسیاری طاہر خواہند شد و سفید گردانیدہ خواہند شد و آزمودہ خواہند شد؛ اما شریران شرارت خواہند ورزید؛ و ہیچیک از شریران نخواہند فہمید؛ لیکن حکیمان خواہند فہمید.» دانیال ۱۲:۹، ۱۰

نخستین فرشتہ نمایانگر تطہیر است، آنگاہ کہ گناہکار ملزم گناہان خود را بر قربانی در صحن می‌نہد، جایی کہ بہ واسطہ خون عادل شمرده می‌شود.

پس خون بہ مکان مقدس پردہ می‌شود، جایی کہ فرایند تقدیس قدوسیت بہ صورت سفید گردیدن از طریق شست‌وشو بہ وسیلہ خون برگرفته از صحن بہ نمایش گذاشتہ می‌شود. در آنجا پارسایی در کسانی ظاہر می‌گردد کہ بہ وسیلہ خون و کلام شہادت خویش غالب می‌آیند.

سپس ایشان آزمودہ می‌شوند، و در ایام آخر معلوم می‌گردد کہ دہ چندان از جمیع سایر حکیمان یابل بہترند. آزمون سوم آنجاست کہ ایشان در اقدس الاقداس جلال می‌یابند و از طبقہ دیگر حکیمان مدعی ممتاز می‌گردند. آن آزمون سوم، قانون یکشنبہ است، و آزمون نخست، دعوت فرشتہ اول بہ بازگشت بہ بنیادہاست، زیرا در گام بعدی، ہیکل برپا می‌شود. آن گام بعدی، پیام جدایی فرشتہ دوم است، کہ در پی آن آزمون محک فرشتہ سوم می‌آید.

در سال ۲۰۲۳، فرشته نخست آمد، همان گونه که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آمده بود، هنگامی که با پیامی دربارهٔ اسلام وای دوم فرود آمد. او همان گونه که در ۱۱ سپتامبر آمده بود، با پیامی دربارهٔ اسلام وای سوم و دعوت به بازگشت به طریق های قدیم فرود آمد. بنیادهای تاریخ میلریتی پس از آن که پیام وای دوم در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تحقق یافت، برپا گردید. سپس فرشته باب دهم مکاشفه فرود آمد، و بدین سان، نزول فرشته باب هجدهم مکاشفه و فرا رسیدن وای سوم را به گونه ای نمادین پیش نمون ساخت.

یوشیا لیچ آن شخصیت تاریخی است که با بنیان هایی که در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نهاده شد، مرتبط می باشد. نام «یوشیا» به معنای «بنیاد خدا» است، و پادشاه یوشیا در تاریخ مقدس، نمایانگر اصلاحات یوشیاست؛ اصلاحاتی که دربرگیرنده کشف لعنت موسی بود، که در میان خاکروب های حرم مدفون شده بود، همان گونه که جواهرات میلر در اتاق مدفون شده بود.

پادشاه یوشیا در مجدو، که همان هارمجدون مکاشفه فصل شانزدهم است، درگذشت. اصلاحات یوشیا تحقق نبوتی بود که آن نبی نافرمان بیان کرده بود، آنگاه که یربعام آن دو مذب را در بیت ئیل و دان برپا ساخت. آن نبی نافرمان در میان لاغ و شیر جان سپرد. نام پادشاه یوشیا از پیش در نبوت آمده بود، و اصلاحات او نیز بخشی از آن پیشگویی بود؛ پیشگویی ای که دربرمی گرفت اینکه یوشیای پادشاه در آینده همان مذبی را فرو خواهد کوبید که در آنجا نبی نافرمان با یربعام پادشاه شیر روپارو شده بود.

یوشیا به معنای «بنیاد خدا» است، و پادشاه یوشیا پیشگویی ای را که حدود ۳۴۰ سال پیش از سلطنتش داده شده بود، به انجام رساند. او پیشوایی احیا و اصلاحی را بر عهده گرفت که سرانجام به همان مذبی رسید که نبی یهودا در آنجا با پادشاه یربعام روپارو شده بود. چون بدان جا رسید، یوشیا مذب را درهم شکست، چنان که نبوت گفته بود چنین خواهد کرد. آن دو مذب یربعام، بدل هایی عمدی از هیکل اورشلیم بودند، تا بدان حد که یربعام حتی عید های تقلبی نیز برقرار کرد. او در این کار، صرفاً همان کاری را انجام می داد که هارون با گوساله زرین انجام داده بود. عصیان هارون در بنیاد تاریخ مقدس اسرائیل باستان قرار داشت. این امر هنگامی رخ داد که موسی شریعت را دریافت می کرد، شریعتی که بنیاد حکومت خداست.

شورش هارون شورشی بنیادین بود، و آن هنگام که یربعام ده قبیله شمالی را به عنوان اسرائیل بنیان نهاد، همان شورش تکرار شد. موسی هارون را توبیخ کرد، و موسی در نسبت با مسیح امگا، آلفا یا بنیاد است. هارون و موسی در شورش بنیادین نماینده دو طبقه اند، و طبقه سومی نیز قهرمانانی هستند که با موسی ایستادند—لاویان. ملک یربعام و نبی یهودا دو طبقه در شورش بنیادین پادشاهی شمالی هستند، و بار دیگر لاویان قهرمانان اند.

در شورش بنیانی یربعام، نبی ای از یهودا او را توبیخ کرد و دربارهٔ پادشاهی نبوت نمود که «بنیاد خدا» نامیده خواهد شد—یوشیا. تحقق اصلاح پیشگویی شده بدین گونه بود که چون یوشیا احیا و اصلاح خود را آغاز کرد، لعنت موسی کشف شد، و قرائت کلمات مقدس موسی احیا و اصلاحی را که از پیش آغاز شده بود، توان بخشید. یوشیا، که آشکارا نمادی نبوی است، نمایانگر احیا و اصلاحی است که هنگامی نیرو می گیرد که نبوتی از نوشته های موسی کشف شود.

بنیادی بغاوت، در سرگذشت پادشاه یربعام، هم به وسیله پادشاه اسرائیل نمایانده می شود و هم به وسیله نبی ای از یهودا که با اعلامی الهی بر ضد بغاوت بنیادی یربعام فرستاده شد، همراه با دستورالعمل هایی برای آن نبی که معین می کرد در بازگشت به یهودا از کدام راه باید اجتناب کند. نبی یهودا درخواست یربعام را برای ماندن رد می کند، اما پس از آن دعوت نبی دروغگوی بیت ئیل را می پذیرد و بدین سان سرنوشت خود را مهر می زند. آن نبی نافرمان میان لاغ و شیر خواهد مرد، و سپس در مقبره نبی دروغگو دفن خواهد شد.

در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، نبوتِ وای دوم به تحقق پیوست و بنیان‌های آدونتیسم نهاده شد. جوزایا لیچ این نبوت را در سال ۱۸۳۸ ارائه کرد، و سپس ده روز پیش از ۱۱ اوت ۱۸۴۰، محاسبات خود را دقیق‌تر تنظیم نمود و ۱۱ اوت ۱۸۴۰ را به‌عنوان روزی پیشگویی کرد که در آن برتری امپراتوری عثمانی پایان خواهد یافت، در تحقق نبوتِ اسلام درباره وای دوم.

پادشاه یوشیا نماد احیا و اصلاح نهایی است، زیرا هر نبی بیش از هر ایام پیشین، به‌گونه‌ای مستقیم‌تر از ایام آخر سخن می‌گوید. پادشاه یوشیا نماد احیا و اصلاح نهایی است، و آن اصلاح در کتاب مقدس به‌واسطه یک پیشگویی بیان شده است. کتاب یوئیل احیا و اصلاح نهایی را که در میان کسانی واقع می‌شود که آن یکصد و چهل و چهار هزار تن خواهند بود، مشخص می‌سازد. احیای یوشیا در دو گام بود؛ آغاز شد، سپس پیشگویی‌ای گشوده گردید که به آن کار شتاب بیشتری بخشید. آن دو گام، باران اول و آخر است، چنان‌که در کتاب یوئیل بیان شده و در کتاب اعمال تحقق یافت، و سپس بار دیگر در تاریخ میلری تحقق پیدا کرد.

در شورش‌های بنیادین هارون، از پادشاه یربعام و نبی برخاسته از یهودا تا پادشاه یوشیا، و سپس تا یوشیا لیچ، خطی از شهادت را در خصوص آزمون بنیادین شناسایی می‌کند. آزمون بنیادین، نخستین آزمون است که پس از آن، هنگامی که سنگ سرگوشه نهاده می‌شود، آزمون هیکل فرا می‌رسد. پس از آن، سومین آزمون، یعنی آزمون محک، از راه می‌رسد.

از گوساله زرین، تا مذبح‌های یربعام در بیت‌ئیل و دان، تا پادشاه یوشیا، تا یوشیا لیچ، رشته‌ای از گام‌های نبوی نمایان می‌شود که به آزمون بنیادی ۱۱ سپتامبر رهنمون می‌گردد. هنگامی که در ۱۱ سپتامبر بناهای عظیم نیویورک فرو ریخت، نبوتی از وای سوم آن آزمونی را معین ساخت که دعوت به بازگشت به راه‌های کهن بنیادین می‌کرد؛ زیرا موازات ۱۱ اوت ۱۸۴۰ و ۱۱ سپتامبر را هر آدونتیست هفتم روز لائودیکیه‌ای که می‌خواست ببیند، می‌توانست ببیند. نقش القاعده در ۱۱ سپتامبر، در این روزهای نظریه‌های توطئه که عموماً درست هستند، غالباً مورد تردید قرار می‌گیرد؛ اما القاعده به معنای «بنیاد» است، و آنان به‌عنوان یک سازمان، یک سال پیش از زمان آخر، یعنی در ۱۹۸۹، آغاز کردند؛ و در واقع در ۱۱ اوت ۱۹۸۸.

اگر این جزئیات مربوط به نمادپردازی نبوی بنیادها مورد توجه قرار نگیرد، بسیاری چیزها از دست می‌رود. در ۹/۱۱، بنیادها در گام نخست نهاده شد. در گام دوم، معبد با قرار گرفتن سنگ سرپوش به اتمام می‌رسد. گام سوم، در بسته قانون یکشنبه است. از ۹/۱۱ تا قانون یکشنبه، این پیام اساساً خطاب به آدونتیست‌های روز هفتم لائودیکیه است، زیرا داوری از خانه خدا آغاز می‌شود، و برای خانه خدا در قانون یکشنبه پایان می‌یابد. در آنجا و در آن هنگام، از آدونتیسم روز هفتم لائودیکیه عبور می‌شود؛ چنان‌که در تاریخ میلری، از پروتستان‌ها عبور شد، و در تاریخ مسیح، از یهودیان، و نیز چنان‌که در تاریخ موسی، از کسانی که در طی چهل سال مردند، عبور شد.

سومین وای 11/9 به‌واسطه دومین وای 11 اوت 1840 نمونه‌سازی شده بود، و در آن سطح، هر دو نشانه راه به‌وسیله‌ی الاغ نمایانده می‌شوند؛ نخستین نماد اسلام در نبوت کتاب مقدسی. قانون یکشنبه نشان وحش است، و آن وحش غالباً به‌صورت شیری به تصویر کشیده می‌شود، و بدین‌سان شیر سبط یهودا را جعل و بدل می‌سازد. قانون یکشنبه همان شیر است، و نبی نافرمان از یهودا میان الاغ و شیر جان سپرد، و در همان قبر نبی دروغگوی بیت‌ئیل دفن شد. او در دوره نبوی از 11/9 تا قانون یکشنبه مرد، که همان دوره نبوی از الاغ تا شیر است. آن دوره آزمون، قبر نبی دروغگوی بیت‌ئیل است، که نبی نافرمان از یهودا را در قبر خود خویش دفن کرد.

پادشاهی یربعام، که به‌عنوان بدلی پادشاهی یهودا به تصویر کشیده شده است، جایی که اورشلیم و هیکل در آن قرار دارند، نمایانگر پروتستان‌های تاریخ میلریتی بود که دیگر قوم خدا نبودند. آنان میان ۱۱

اوت ۱۸۴۰ و در بسته ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، عنوان عهدی خود را از دست دادند. آن تاریخ با ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه هم‌راستا است، و به همین سبب، نبی نافرمان یهودا در همان مقبره‌ای دفن می‌شود که پروتستان‌های مرتد، که به‌وسیله نبی دروغین بیت‌ئیل نمایانده شده بودند، در آن بودند.

به‌طور کلی، پادشاه یوشیا پادشاهی نیکو بود، اما در مجدّو جان سپرد؛ امری که کاربردی آشکار و مستقیم بر آرماگدون دارد. او با نپذیرفتن پیام هشدارآمیز یخو از راه راست منحرف شد. یخو، پادشاه مصر، و بنابراین پادشاه جنوب، در راه بود تا با بابل، پادشاه شمال، بجنگد. یوشیا نمایانگر یهودیانی است که در آرماگدون می‌میرند، زیرا پیام هشدارآمیز نبرد پادشاه جنوب و پادشاه شمال را در دانیال ۴۵-۱۱:۴۰ رد کردند. آن پیام در ۱۱ سپتامبر به بنیان تبدیل شد.

پهلا امتحان پہلے فرشتے کی اس پکار پر مشتمل ہے کہ بنیادوں کی طرف واپس لوٹو۔

دومین آزمون، دعوتِ فرشتہ دوم است به جدایی و به اتمام رساندن هیکل.

تیسرا امتحان، مهر یا نشان کے بارے میں تیسرے فرشتے کی کسوٹی ہے۔

پهلا امتحان بنیادوں پر ایک امتحان ہے، اور 2024 میں سبت کی زوم مجالس سے وابستہ لوگوں میں سے تقریباً نصف صرف اُس واحد اصولی اختلاف کی بنا پر الگ ہو گئے جو 1843 کے چارٹ پر نمایاں ہے۔ یہ اختلاف اُس نشان کے بارے میں تھا جو آخری ایام میں خدا کے لوگوں کی رؤیا کو قائم کرتا ہے۔ میلری تحریک کے زمانہ کا تنازع یہ تھا کہ پروٹسٹنٹ یہ دعویٰ کرتے تھے کہ انطيوخس ایپیفینس، یا اسلام، وہ قوت تھی جو اپنے آپ کو سرفراز کرتی ہے اور گرتی ہے، تاکہ دانی ایل 11 کی آیت چودہ میں رؤیا کو قائم کرے۔

و در آن زمان‌ها بسیاری بر پادشاه جنوب خواهند شورید؛ و نیز عیاران قوم تو سر بر خواهند افراشت تا رؤیا را استوار سازند؛ اما سقوط خواهند کرد. دانیال ۱۱:۱۴.

آیا اسلام یا آنتیوخوس ایپیفانیس غارتگران قوم تو بودند، یا آن‌گونه که میلر شناسایی کرد، روم بود؟ میلر دریافته بود که نیروهای ویرانگر بت‌پرستی و پاپ‌گرایی، هر دو همان قدرتی بودند که خویشتن را برمی‌افراشتند، سقوط کردند، و غارتگران قوم خدا بودند. این استدلال بر آن نموداری بازنمایی شده است که «به هدایت دست خدا ترسیم شد و نباید تغییر یابد»، و تنها بازنمایی بر هر یک از دو لوح حبقوق است که رویدادی را مشخص می‌کند که در کلام نبوی ارجاعی مستقیم به آن وجود نداشت. ارجاع موجود بر نمودار برای برجسته ساختن آن استدلال بنیادی بود، به‌منزله نمادی از قدرتِ جداکننده کلام نبوی خدا.

در سال ۲۰۲۴، تقریباً نیمی از گروه زوم به سبب این برداشت نادرست جدا شدند که این ایالات متحده است که رؤیا را برقرار می‌سازد، نه روم؛ چنان‌که میلری‌ها به‌درستی از آن دفاع کردند.

تزکیه‌ای که در سال ۲۰۲۳ آغاز شد، هنگامی آغاز گردید که مسیح با بادبیزن خود به آن حجره درآمد، و بادبیزن کلماتِ حقیقتِ اوست. چون او به حجره خود درآمد، آن از مردم خالی بود؛ از این‌رو آوازی را در بیابان برانگیخت تا راه خداوند را مهیا سازد. آن آواز برای این بود که راه را برای رسول عهد آماده کند تا ناگهان به هیکل خود، یعنی هیکل یکصد و چهل و چهار هزار، بیاید.

پس در سال ۲۰۲۴، نخستین آزمون فرا می‌رسد: آزمون بنیادها، آزمون این‌که چه کسی رؤیا را برقرار می‌سازد—آن رؤیایی که باقی‌ماندگان را مهر می‌کند. رؤیای درونی که باقی‌ماندگان را مهر می‌کند، رؤیای مسیح در باب دهم است؛ و رؤیای بیرونی، رؤیایی است که به‌وسیله ضد‌مسیح برقرار می‌شود، و ضد‌مسیح روم است. یک رؤیای درونی از مسیح و یک رؤیای بیرونی از ضد‌مسیح. مهر شدن، استقرار یافتن در حقیقت است، هم از لحاظ روحانی و هم از لحاظ فکری؛ و رؤیای درونی باب دهم

بعد روحانی است، و رؤیای بیرونی باب یازدهم بعد فکری. فهم و تجربه متناظر هر دو رؤیا، معیار لازم برای هر کسی است که بخواهد مهر شود؛ چنان که دانیال در آیه نخست باب دهم کتاب دانیال نمایندگی می‌کند.

در سال سوم کورش، پادشاه فارس، امری بر دانیال که بلطشصر نامیده می‌شد، مکشوف گردید؛ و آن امر راست بود، لیکن زمان معین دراز بود؛ و او آن امر را فهمید و رؤیا را درک کرد. دانیال ۱:۱۰.

آزمایش آلفای مبنای بر سر آیه چهارده دانیال یازده بود، و این، موازی همان آزمایش بنیادی میلی‌ها بود؛ و آن آزمایش، یگانه مجادله‌ای از تاریخ میلی بود که بر جدولی که به حقوق دیده‌بان فرمان داده شد آن را بنویسد و روشن سازد، نمایان شده است. آزمایش بنیادی ۲۰۲۴، نزول فرشته اول بود، چنان که به وسیله ۱۱ اوت ۱۸۴۰، ۱۸۸۸ و ۱۱ سپتامبر بازنمایی شده است.

و فرشته میکائیل که طور پر بهی نازل بوا تھا، کیونکہ میکائیل ہی وہ ہے جس نے موسیٰ کو زندہ کیا، جو ایلیاہ کے ساتھ 2023 کے آخری دن زندہ کیا گیا۔ اس قیامت کی نمائندگی حزقی ایل یوں کرتا ہے کہ وہ چار ہواؤں کی ایک نبوت کے وسیلہ سے انجام پاتی ہے، جسے سسٹر وائٹ غضبناک مگر روکے گئے گھوڑے سے تعبیر کرتی ہیں، جو 11 اگست 1840 اور 9/11 کے اسلام کی علامت ہے۔ الفا آزمائش بنیاد رکھنے والی، بیرونی رویا تھی۔ اومیگا آزمائش ایک اندرونی، تکمیلی رویا ہوگی۔

چرا باید الفا و اُمگای وجود داشته باشد که آزمونی سوم در پی آن بیاید؟ این دقیقاً همان مسئله‌ای است که من بدان اشاره می‌کنم. رؤیای آزمون بیرونی الفای ۲۰۲۴، نخستین سه آزمون است. آن آزمون بنیادین باید با موفقیت گذرانده شود تا شخص بتواند در آزمون نهایی اُمگا، یعنی آزمون سنگ سرزایه، مشارکت داشته باشد. آن دو آزمون، از حیث ماهیت نبوی، با آزمون سوم متفاوت‌اند. آزمون سوم، آزمونی محک‌زننده است که نشان می‌دهد آیا داوطلب حقیقتاً دو مرحله پیشین را با موفقیت پشت سر گذاشته است یا نه.

پہلا امتحان بنیاد ہے، اور دوسرا امتحان ہیکل کی تکمیل ہے۔ ہیکل کی بنیاد بابل سے نکلنے والی پہلی فرمان کی تاریخ میں ڈالی گئی تھی۔ دوسری فرمان کی تاریخ میں ہیکل مکمل کیا گیا۔ تیسرا فرمان مختلف تھا، کیونکہ اس فرمان میں یہوداہ کی قومی حاکمیت بحال کی گئی، اور انہیں شہری اور مذہبی جرائم کی قانونی پیروی کا اختیار دیا گیا۔ تیسرے فرمان پر عدالت بحال ہوتی ہے۔ 2024 میں، بنیادی الفا امتحان نے ڈرٹ برش مین کے تقریباً خالی کمرے میں موجود لوگوں کو الگ کر دیا۔

آزمون اُمگا جایی است که هیکل به اتمام می‌رسد، چنان که با نهاده شدن سنگ سرزایه نمادین شده است. تکمیل هیکل همان کلیسای ظافر است که هنگامی استقرار می‌یابد که کرکسان برداشته شوند. تکمیل هیکل در رؤیای میلر آنگاه بود که جواهرات به صندوقچه بزرگ‌تر بازافکنده شدند «بی‌آنکه هیچ‌گونه رنج آشکاری از جانب آن مردی که آنها را در آن می‌افکند دیده شود». پس از آنکه میلر مرد جاروب‌به‌دست خاک را در حال افکندن جواهرات به صندوقچه بزرگ‌تر مشخص می‌کند، شهادت خود را با این کلمات به پایان می‌برد: «از شدت شادی فریاد برآورد، و همان فریاد مرا بیدار کرد.»

توجَّهوا إلى أن الصرخة العظيمة التي أطلقها ميلر، والتي تُوقظ، قد مُنحت قوَّة بواسطة «الفرح». والفرح هو رمز أولئك المذكورين في يوثيل الذين لديهم «الخمرة الجديدة»، أما «الخزي» فعلى أولئك الشاربين الآخرين للخمرة الذين انقطعوا عن الخمر الجديدة. إن صرخة منتصف الليل التي تُوقظ ميلر تأتي بعد أن يلقي رجل فرشاة التراب الجواهر في التابوت الأكبر. والتابوت الأكبر مملوء بالجواهر التي فُصِّلَت عن القمامة وأُلقيت في التابوت، الذي هو معاً هيكلاً المئة والأربعة والأربعين ألفاً، ورسالة صرخة منتصف الليل. ويكتمل الهيكل في المرسوم الثاني، أو الملاك الثاني، أو الاختبار الثاني واختبار الأوميغا. وفي حلم ميلر، يتمثل اختبار الأوميغا عندما تُفتح كوى السماء.

و شنیدم آوازی را، گویی آواز جمعیتی عظیم، و چون آواز آب‌های بسیار، و چون آواز رعد‌های سهمگین، که می‌گفتند: هلولیاه، زیرا خداوند خدای قادر مطلق سلطنت می‌کند. شادی کنیم و وجد نماییم و او را جلال دهیم، زیرا عروسی بره فرارسیده است، و همسر او خویشتن را مهیا ساخته است. و به او عطا شد که به کتان نازک، پاک و سفید، آراسته گردد؛ زیرا آن کتان نازک، عدالت‌های مقدسان است. و به من گفت: بنویس، خوشا به حال آنان که به ضیافت عروسی بره خوانده شده‌اند. و به من گفت: اینها سخنان راستین خداست. مکاشفه ۹:۱۹-۶

در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، «چهار آمدن مسیح» به انجام رسید، و هر یک از آن چهار آمدن در قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، به گونه‌ای کامل‌تر تحقق می‌یابد. او به عنوان رسول عهد آمد، در تحقق پالایش و تطهیر لایوان در ملاکی باب ۳. او آمد تا پادشاهی‌ای را دریافت کند، در تحقق دانیال ۷:۱۳. او آمد تا قدس را تطهیر کند، در تحقق دانیال ۸:۱۴، و نیز به عروسی آمد. عروسی هنگامی واقع می‌شود که عروس خود را آماده ساخته باشد.

«هرگاه میوه حاصل شود، بی‌درنگ داس را به کار می‌برد، زیرا وقت درو رسیده است.» مسیح با اشتیاقی سوزان در انتظار ظهور خویش در کلیسای خود است. هنگامی که سیرت مسیح به طور کامل در قوم او بازتاب یابد، آنگاه خواهد آمد تا ایشان را به عنوان آن خود مطالبه کند. «درس‌های تمثیلی مسیح، ص. 69.

به موجب الهام، «جهان تنها زمانی می‌تواند هشدار داده شود» که در خلال بحران قانون یکشنبه، «مردان و زنان» را با مهر خدا ببینند.

«کار روح القدس این است که جهان را از گناه، و از عدالت، و از داوری ملزم سازد. جهان تنها هنگامی می‌تواند هشدار یابد که کسانی را ببیند که به حقیقت ایمان دارند و به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند، و بر اساس اصولی والا و مقدس عمل می‌کنند، و به گونه‌ای برتر و متعالی، خط تمایز میان آنان را که احکام خدا را نگاه می‌دارند و آنان را که آنها را زیر پا لگدمال می‌کنند، آشکار می‌سازند. تقدیس روح، تفاوت میان کسانی را که مهر خدا را دارند و کسانی را که روز استراحتی جعلی را نگاه می‌دارند، مشخص می‌سازد. هنگامی که آزمون فرا رسد، به روشنی آشکار خواهد شد که نشان وحش چیست. آن، نگاه داشتن یکشنبه است. کسانی که پس از شنیدن حقیقت، همچنان این روز را مقدس می‌شمارند، امضای مرد گناه را بر خود دارند؛ همان که پنداشت زمان‌ها و شریعت را تغییر دهد.» Bible Training School, December 1, 1903.

को भेट की गेहूँ पहलौठे आरम्भ का कटनी है। पहुँचती आ कटनी तब, है लेती कर तैयार को आप अपने दुल्हन जब की प्रकाशतिवाक्य अर्थात, फल पहलौठे पहले है। होता से करने एकत्र में रूप के ध्वजा-अर्पण हुई लहराई एक वह भीड़। बड़ी वह अर्थात, झुंड दूसरा बाद उसके और, है जाते कएि एकत्र, हजार चवालीस लाख एक के पुस्तक के विवाह है। वभिषति से मलमल श्वेत उज्ज्वल सेना पराक्रमी उसकी और, है सेना पराक्रमी उसकी ध्वजा और, है जाता दिया कर पूर्ण मंदिर का हजार चवालीस लाख एक, पूर्व से न्याय के व्यवस्था की रविवार, समय की आत्मा पास जिसके, है भी कलीसिया वजियी वह बल्कि, नहीं ही संदूक बड़ा का मलिर केवल मंदिर वह है। वरदान सब सहति भवषियवाणी

پس من بر قدم‌های او افتادم تا او را پرستش کنم. و او به من گفت: زنهار چنین مکن؛ من هم غلام تو و برادران تو هستم که شهادت عیسی را دارند. خدا را پرستش کن، زیرا شهادت عیسی روح نبوت است. مکاشفه 19:10.

یک صد و چهل و چهار هزار نفر کسانی هستند که شهادت عیسی را دارند، و شهادت عیسی هم در کتاب مقدس و هم در روح نبوت «حکم بر حکم» بیان شده است. هنگامی که جنبش لائودیکیه یک صد و چهل و چهار هزار نفر به جنبش فیلادلفیه یک صد و چهل و چهار هزار نفر تبدیل شود، آنان همگی برای

ارائہ شہادت خود از روش حکم بر حکم استفادہ خواہند کرد۔ آن شہادت، ترکیبی است از خون الہی و شہادتِ انسانی۔

و ایشان بر او بہ واسطہٴ خون برّہ و بہ سببِ کلامِ شہادتِ خویش غلبہ یافتند؛ و جانِ ہای خود را تا بہ مرگ عزیز نداشتند۔ مکاشفہ 12:11۔

شہادتِ انسانیت، آمیختہ با خون الوہیت، همان شہادتِ موسیٰ و برّہ است۔ موسیٰ انسانیت بود، آلفا در نسبت با خون الوہیتِ برّہ، کہ اومگا است۔ ہمہ عطایا بازگردانده می‌شوند، بہ محض آن کہ عروسِ خویشتن را مہیا سازد؛ و چون لشکری عظیم، ملبّس بہ کتانِ سفید، جایگاہ خود را بہ عنوانِ عَلمِ لشکر پیش‌روندہ خداوند اختیار می‌کند۔ آن رزّہٴ جنگی از ہنگامی آغاز می‌شود کہ عروسِ مہیا گردیدہ و بہ سفید ملبّس شدہ باشد؛ و آن همان زمانی است کہ پنجرہ‌ہای آسمان گشودہ می‌شوند، چنان کہ در رؤیای میلر بودند۔

اور میں نے آسمان کو کھلا ہوا دیکھا، اور دیکھو ایک سفید گھوڑا تھا؛ اور جو اُس پر سوار تھا وہ امین اور برحق کہلاتا ہے، اور وہ راستبازی سے انصاف کرتا اور جنگ کرتا ہے۔ اُس کی آنکھیں آگ کے شعلہ کی مانند تھیں، اور اُس کے سر پر بہت سے تاج تھے؛ اور اُس پر ایک نام لکھا ہوا تھا جسے کوئی نہ جانتا تھا سوائے اُس کے۔ اور وہ خون میں ڈوبی ہوئی پوشاک پہنے ہوئے تھا؛ اور اُس کا نام خدا کا کلام کہلاتا ہے۔ اور جو لشکر آسمان میں تھے وہ سفید گھوڑوں پر سوار اُس کے پیچھے تھے، اور باریک کتانی لباس پہنے ہوئے تھے، سفید اور پاک۔ اور اُس کے منہ سے ایک تیز تلوار نکلتی ہے تاکہ وہ اُس سے قوموں کو مارے؛ اور وہ اُن پر لوہے کے عصا سے حکومت کرے گا؛ اور وہ قادرِ مطلق خدا کے سخت غضب اور قہر کی بے کے حوض کو روندتا ہے۔ اور اُس کی پوشاک اور اُس کی ران پر یہ نام لکھا ہوا ہے، بادشاہوں کا بادشاہ، اور خداوندوں کا خداوند۔ مکاشفہ 19:11-16۔

ہنگامی کہ مرد جاروکنندہ غبارِ وارد اتاق خالی می‌شود و پنجرہ‌ہا را می‌گشاید، جواہرات را گرد می‌آورد و آنہا را درون تابوتِ اُمگای بزرگتر می‌افکند۔ جیمز وایت آن جواہرات را قومِ خدا معرفی می‌کرد، اما ویلیام میلر بہ شما می‌گفت کہ نمادہا بیش از یک معنا دارند، و جواہرات نہ تنہا نمایانگر حقایق بنیادینِ پراکندہ‌اند، بلکہ نیز آن جواہراتِ پراکندہ‌ای را مجسم می‌سازند کہ بر تاجی قرار دارند کہ برافراشتہ می‌شود و نمایانگرِ پادشاہیِ پرجلالِ مسیح است۔

وَيَخْلِصُهُمُ الرَّبُّ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ كَقَطِيعِ شَعْبِهِ، لِأَنَّهُمْ يَكُونُونَ كَجَارَةِ تَاجٍ مَرْفُوعَةٍ كَرَاتِيَةٍ عَلَى أَرْضِهِ۔ زکریا 9:16۔

اومگا اور روم کے بنیاد گزار الفا امتحان، جس نے رویاً کو قائم کیا، کے بعد دوسرا امتحان، اختتامی اومگا امتحان ہے۔ یہ ہیکل کے امتحان کی تکمیل ہے، جو عدالت کے تیسرے فیصلہ کن امتحان سے پہلے واقع ہوتی ہے۔ یہ امتحان عبادت گزاروں کے دو طبقوں کو ایک دوسرے سے پاک طور پر جدا کرتا ہے، اور تیل کی بنیاد پر داناؤں اور نادانوں میں تفریق کرتا ہے؛ اور تیل ہی پیغام ہے، یا جیسا کہ سسٹر وائٹ نے کفرناحوم کی عبادت گاہ پر اپنی تفسیر میں اسے متعین کیا—”سچائی کے کلمات۔“

کفرناحوم همان جایی است کہ در یوحنا ۶:۶۶، عیسیٰ در یک زمان بیشترین شمار شاگردان را از دست داد، و آن شاگردان ہرگز بازنگشتند۔ کفرناحوم، بہ عنوان بزرگترین آزمون شاگردی در زمانِ مسیح، نمادی است از آزمون اُمگای شاگردی در زمانِ مسیح، کہ آن نیز بہ نوبہ خود نمونہ نوعی آزمون اُمگای شاگردی در فرایند آزمون سہ مرحلہ‌ای است کہ در سال ۲۰۲۳ آغاز شد۔ در کفرناحوم، این آزمون با نان آسمان نمایان شد، و ناکامیِ یہودیّان را در زمینہٴ ناتوانی‌شان از درک نبوت آشکار ساخت، و این بہ سببِ عدم تمایلِ ایشان بہ پذیرفتنِ این حقیقت بود کہ ہنگامی کہ عیسیٰ از امورِ طبیعی سخن می‌گفت، مقصودِ آن بود کہ آن سخنان در کاربردیِ روحانیِ فہمیدہ شوند۔

ما این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

Քրիստոսի խոսքը կյանքի հացի վերաբերյալ եղավ Հուդայի հետևեց:» պատմության բեկումնային պահը: Նա լսեց այս խոսքերը. «Եթե չուտեք Մարդու Որդու մարմինը և չխմեք Նրա արյունը, կյանք չեք ունենա ձեր մեջ»: Հովհաննես 6:53: Նա տեսավ, որ Քրիստոսն առաջարկում էր ոչ թե աշխարհիկ, այլ հոգևոր բարիք: Նա իրեն հեռատես էր համարում և կարծում էր, թե տեսնում է, որ Հիսուսը պատիվ չի ունենալու, և որ Նա իր հետևորդներին որևէ բարձր դիրք չի կարող շնորհել: Նա որոշեց իրեն Քրիստոսի հետ այնքան սերտ չկապել, որ չկարողանա հեռանալ: Նա պիտի հետևեր: Եվ Նա հետևեց:»

«از آن زمان به بعد او تردیدهایی ابراز می کرد که شاگردان را دچار سردرگمی می ساخت. ... اشتیاق اعصار، 719.

نخستین آزمون

نظره ای که عیسی بر یهودای خودخواه افکند، او را متقاعد ساخت که استاد، به ریاکاری او پی برده و سرشت پست و حقیرش را خوانده است. این توییحی مستقیم تر از هر آن چیزی بود که یهودا پیش از آن دریافت کرده بود. از این رو، او برانگیخته شد، و بدین سان دری گشوده شد که شیطان از آن درآمد تا افکار او را تحت سلطه خود گیرد. به جای آنکه توبه کند، در اندیشه انتقام افتاد. از آگاهی به گناه خویش گزیده، و از آن رو که تقصیرش آشکار شده بود تا سرحد جنون برانگیخته، از سفره برخاست و به قصر رئیس کهنه رفت، جایی که شورا را گردآمده یافت. او آکنده از روح شیطان شده بود و چون کسی رفتار می کرد که از عقل بی بهره گشته باشد. مزدی که برای تسلیم کردن استادش وعده داده شده بود، سی پاره نقره بود؛ و او نجات دهنده را به بهایی بسیار کمتر از هزینه آن صندوقچه عطر فروخت.

«در روح و عمل، بسیاری به یهودا شباهت دارند. تا زمانی که درباره لکه آفت گون موجود در منش آنان سکوت برقرار است، هیچ دشمنی آشکاری دیده نمی شود؛ اما هنگامی که توییح می شوند، تلخی دل هایشان را پر می سازد.» Youth Instructor, July 12, 1900.

دومرا امتحان

«ઇસુને અને હતી કરી મુલાકાત વાર બીજી સાથે શાસ્ત્રીઓ અને યાજ્ઞકો યજ્ઞાએ પહેલાં પસંકા... ખસ્તિના આપવાના ધોઈ પગ શષિયોના.... હતો કર્યો પૂરણ કરાર દેવાનો સોંપી હાથમાં તેમના નમ્ર આટલા પોતાને ઇસુ જો કે વચિાર્યું તેણે. થયો રોષતિ અને અપમાનતિ હવે યજ્ઞ કાર્યથી તેની સન્માનની સાંસારકિ રાજ્યમાં સમયકિ. શકે નહીં જ હોઈ રાજા ઇઝરાયેલનો તે તો, શકે બનાવી મેળવવાનું કંઈ કરીને અનુસરણ ખસ્તિનું કે ગઈ થઈ ખાતરી યજ્ઞાને. ગઈ થઈ નષ્ટ આશા બધી કરવાની અસ્વીકાર તેને તેને, પછી જોયા ઉતારતાં નીચા આટલા પોતાને તેને વચિારે પોતાના. નથી દુષ્ટાત્માના એક તે. થઈ દૃઢ વધુ મનશા પોતાની કરવાની સ્વીકાર હોવાનો છેતરાયો પોતે અને થયો સંમત તે કરવા કાર્ય જે માટે દેવા સોંપી કરીને દરોહ પ્રભુને પોતાના અને, ગયો આવી વશમાં.» The Desire of Ages, 645. કર્યો નશિય તેણે કરવાનો પૂરણ તેને, હતો

فیصله آخر

«با شگفتی و سردرگمی از افشا شدن مقصودش، یهودا با شتاب برخاست تا اتاق را ترک کند. “آنگاه عیسی بدو گفت: آنچه می کنی، زود بکن.... او پس از آنکه لقمه را گرفت، بی درنگ بیرون رفت؛ و شب بود.” برای آن خائن، آنگاه که از مسیح روی برتافت و به ظلمت بیرونی قدم نهاد،

شب بود.»

»تا ہنگامی کہ این گام برداشتہ نشدہ بود، یہودا از امکان توبہ ہنوز فراتر نرفتہ بود۔ اما ہنگامی کہ حضور سرور خود و ہمشاگردان خویش را ترک گفت، تصمیم نہایی گرفتہ شدہ بود۔ او از خط مرزی گذشتہ بود۔«

شکیبایی عیسیٰ در رفتار با این نفس در معرض وسوسہ، شگفتانگیز بود۔ ہیچ آنچہ برای نجات یہودا می شد انجام داد، فروگذار نشدہ بود۔ پس از آنکہ او دو بار پیمان بست تا خداوند خود را تسلیم کند، عیسیٰ باز ہم بہ او فرصت توبہ داد۔ مسیح با خواندن قصد پنهان دل خائن، بہ یہودا آخرین و قانع کنندہ ترین برہان الوہیت خویش را عطا کرد۔ این برای آن شاگردِ دروغین، آخرین دعوت بہ توبہ بود۔ ہیچ استغاثہ ای کہ دل الہی-انسانی مسیح می توانست بہ عمل آورد، دریغ نشدہ بود۔ امواج رحمت کہ از سوی غرور لجوج واپس راندہ شدہ بودند، در مدی نیرومندتر از محبت رام کنندہ بازگشتند۔ اما یہودا، ہرچند از آشکار شدن گناہ خویش شگفت زدہ و ہراسان شدہ بود، تنہا مصمم تر گردید۔ او از شام آیینی بیرون رفت تا کار خیانت را بہ انجام رساند۔

”یحیودا پر افسوس کا اعلان کرتے ہوئے مسیح کا اپنے شاگردوں کی طرف بھی رحمت کا ایک مقصد تھا۔ اس طرح اُس نے انہیں اپنی مسیحائیت کا فیصلہ کن ثبوت دیا۔ اُس نے فرمایا، ’میں تم سے اس کے وقوع میں آنے سے پہلے کہتا ہوں، تاکہ جب یہ واقعہ ہو جائے تو تم ایمان لاؤ کہ میں ہوں۔‘ اگر یسوع خاموش رہتا، اور بظاہر اُس پر آنے والی باتوں سے بے خبر دکھائی دیتا، تو شاگرد یہ سمجھ سکتے تھے کہ اُن کے استاد کو الہی پیش بینی حاصل نہ تھی، اور یہ کہ وہ قاتل ہجوم کے ہاتھوں اچانک گرفتار اور دھوکے سے سپرد کر دیا گیا۔ ایک سال پہلے یسوع نے شاگردوں سے کہا تھا کہ اُس نے بارہ کو چنا ہے، اور اُن میں سے ایک ابلیس ہے۔ اب یہوداہ سے اُس کے یہ کلام، جو ظاہر کرتے تھے کہ اُس کی غداری اُس کے استاد پر پوری طرح منکشف تھی، مسیح کے سچے پیروکاروں کے ایمان کو اُس کی ذلت کے دوران مضبوط کریں گے۔ اور جب یہوداہ اپنے ہولناک انجام کو پہنچ چکا ہوگا، تو وہ اُس افسوس کو یاد کریں گے جو یسوع نے غدار پر نازل کیا تھا۔“ The Desire of Ages, 653-655